

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۲۹ اکتوبر ۲۰۲۱

سی و چهارمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

سی و چهارمین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۶۷، روز پنجشنبه ۶ آبان ۱۴۰۰ – ۲۸ اکتبر ۲۰۲۱ ادامه یافت و در جریان آن، عصمت طالبی کلهران و مختار شالوند بروجردی به‌عنوان شاکی درباره برادران اعدام‌شده خود در زندان گوهردشت کرج شهادت دادند.

عصمت طالبی، خواهر عادل طالبی در جلسه محاکمه حمید نوری به اتهام مشارکت در اعدام چند هزار زندانی سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، گفت که برادرش عضو سازمان «راه کارگر» بود و به اتهام «ملحد، مارکسیست و چپ بودن» به ده سال زندان محکوم شده بود اما در سال ۱۳۶۷ اعدام شد.

مختار شالوند، برادر حمزه شالوند، هم در جلسه دادگاه گفت که برادرش حکم ده سال زندانش را می‌کشید اما او را اعدام کردند و جسدش را هم ندادند.

به‌گفته وکیل مشاور در جلسه روز پنجشنبه دادگاه حمید نوری، عصمت طالبی، همسر و برادرش در دهه ۶۰ به اتهام هواداری از سازمان راه کارگر بازداشت و پس از چند ماه زندان در بندهای مختلف زندان کمیته مشترک به زندان اوین منتقل شدند. همسر او حکم حبس ابد داشته اما اعدام شده است و برادرش، عادل طالبی به ده سال زندان محکوم شده بود اما در سال ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت اعدام شد.

وکیل مشاور عصمت طالبی اضافه کرد که خانم طالبی یک هفته پس از زایمان فرزندش بازداشت شد، فرزند او به مادرش تحویل داده شد و اگرچه خودش را شکنجه نکرده‌اند اما او شاهد شکنجه برادر و همسرش بوده است.

عصمت طالبی در دادگاه حمید نوری گفت که او، همسر و برادرش در اردیبهشت سال ۱۳۶۴ به اتهام هواداری از سازمان راه کارگر بازداشت شدند. به گفته او، عادل طالبی از اعضای سازمان راه کارگر بود و «در بخش کارگری فعالیت گسترده‌ای داشت.»

طالبی گفت: اوایل یا اواخر بهمن ۱۳۶۴ از زندان آزاد و موفق شد که همسر و برادرش را ملاقات کند و بعد از یک‌سال و نیم متوجه شد که برادرش به ده سال زندان محکوم شده است: «اتهامش این بود که ملحد است، مارکسیست و چپ است و در راه کارگر فعال است.»

وی به دادگاه گفت که ملاقات‌های او و خانواده‌اش با همسر و برادرش از اردیبهشت سال ۱۳۶۷ قطع شد: «ما پس از قطع ملاقات‌ها پیگیری و اعتراض کردیم، تظاهرات کردیم، اما جواب ندادند. مادرم با نگرانی پیگیری می‌کرد اما به جایی نمی‌رسید. با خانواده‌های دیگر در سراسر کشور در ارتباط بودیم و فهمیدیم که شرایط استثنایی است. به دیدن حسینعلی منتظری در قم رفتیم که با اعدام‌ها مخالف بود، به دفتر نخست‌وزیری، میرحسین موسوی و دفتر رفسنجانی نامه دادیم، جلوی مجلس و دادگستری تجمع کردیم اما کسی توجهی نمی‌کرد.»

عصمت طالبی افزود که روز هفتم آذر خبر اعدام همسرش و ۱۴ آذر خبر اعدام برادرش را به خانواده او دادند: «ساک عادل را به برادر بزرگ من دادند که عکسش را شما می‌بینید و اسم عادل روی آن نوشته شده است. این ساک الان در ایران و نزد خانواده است. لباس‌های عادل در آن بود و یک بافتنی که خواهرم بافته بود. هرگز خبری درباره پیکر عادل به ما ندادند. گفتند نباید مراسم بگیرید. اما من راحت ننشستم. هر روز می‌رفتم لوناپارک که دفترشان بود. دفتر حاج‌کربلایی که مسؤول آن‌جا بود. بارها به ما گفتند که لعنت‌آباد دفن کردیم، بروید پیدا کنید. خانواده‌های اعدام‌شده‌ها به خاوران می‌رفتند، ما هم آن‌جا رفتیم.»

به گفته عصمت، خانواده عادل طالبی ۱۵ سال بعد از اعدام او، برای رفع مشکل انحصار وراثت مراجعه و گواهی فوت او را دریافت کردند: «با ادب و احترام هم برخورد کرده بودند.»

در ادامه دادگاه، دادستان به برخی مصاحبه‌های عصمت طالبی در سال‌های گذشته اشاره کرد و گفت که او در این مصاحبه‌ها اشاره‌ای به زندان گوهردشت نکرده و در یک مصاحبه هم گفته است که برادرش در زندان اوین اعدام شده است.

عصمت طالبی پاسخ داد که این یا اشتباه لفظی او بوده یا اشتباه رسانه‌هاست: «چون ما وقتی آخرین بار برای ملاقات به زندان اوین مراجعه کردیم گفتند کل بندشان را برای تنبیه به زندان گوهردشت منتقل کرده‌اند.»

دادستان از عصمت طالبی خواست که درباره سن برادرش در زمان دستگیری و اعدام دقیق صحبت کند. عصمت طالبی گفت که حضور ذهن ندارد و نمی‌تواند در این مورد دقیق صحبت کند.

در ادامه جلسه امروز دادگاه حمید نوری، وکیل مشاور مختار شالوند بروجردی گفت که او در سال ۱۳۶۱ ایران را ترک کرد و درباره برادرش حمزه که در سال ۱۳۶۰ به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین بازداشت و در سال ۱۳۶۷ اعدام شد شهادت می‌دهد.

وکیل مشاور گفت که مختار شالوند فکر می‌کند برادرش ابتدا به ۱۵ سال و بعد به ۱۰ سال زندان محکوم شد و بیشتر اطلاعاتی که از برادرش دارد از طریق مادرشان به او رسیده است.

مختار شالوند در دادگاه حمید نوری گفت که برادرش به فاصله کمی بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ دستگیر شد: «من آخرین بار برادرم را بعد از تظاهرات ۳۰ خرداد در همان روز دیدم. شنیده بودم که تصادف کرده و خواسته بودند او را با ماشین زیر بگیرند. در میدان راه‌آهن در خانه یکی از دوستان خانوادگی‌مان در بستر بود و پشت و کمرش آسیب دیده بود.»

شالوند گفت که مطمئن نیست برادرش در کدام زندان‌ها بوده اما «مادرم چهار بار انگلیس پیش من آمد و هر بار تنها از زندان گوهردشت حرف می‌زد. مادر من زنی ساده و روستایی بود و تنها جایی که در تهران می‌شناخت زندان گوهردشت بود. هر بار ۱۴ ساعت از شهر ما اندیمشک، در جنوب ایران، به تهران سفر می‌کرد تا به زندان گوهردشت برود و برادرم را ببیند. او آخرین بار برادرم را در اردیبهشت ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت دید و بعد از آن دیگر هرگز او را ندید.»

به گفته شالوند، خانواده او هرگز هیچ حکمی درباره برادرش دریافت نکرده‌اند و او از مادرش شنیده که ابتدا ۱۵ سال و سپس ۱۰ سال حکم زندان داده‌اند.

وی به نقل از مادرش گفت که «حمزه در زندان وضعیت خوبی نداشت، در اثر دستبند قیانی کتف‌هایش آسیب جدی دیده بوده و بالشتکی زیر بغلش می‌گذاشت که دستش نیفتند.»

شالوند سپس می‌گوید که مادرش آخرین بار در اردیبهشت با برادرش ملاقات کرده و بارها به زندان گوهردشت رفته اما وقت ملاقات نداده‌اند: «خانواده‌های زندانیان حساس شدند که خبرهایی است و چرا به هیچ‌کس ملاقات نمی‌دهند. بعد به مادرم می‌گویند که به زندان اوین برود و آنجا می‌گویند پسر شما محارب بود و اعدامش کردیم و جسدی در کار نیست. برادرم می‌گوید برادر من که زندان بود و داشت حکم زندانش را می‌کشید. از توی زندان چه می‌توانست بکند و چرا اعدام کردید؟ به او می‌گویند زیاد صحبت نکن و برو.»

مختار شالوند گفت که «بعد از دو سه ماه دیگر موضوع جسد مطرح نبود و از قبر برادرم می‌پرسیدند. بعد یک کاغذ می‌دهند که تایید مرگ برادر من است ولی هرگز نمی‌گویند کجا دفنش کرده‌اند.»